

ترامپ، پهلوی، پمپئو، برخی بازیگران فراری و...قبل و حین خشونت‌های اخیر چه می‌گفتند؟

چه کسی فرمان خشونت داد

در یک راسته خیابان بیشتر از سه آتش سوزی به راه انداختند. زنی با صورت پوشانده که ویدئو همان را هم تار کرده مقابل دوربین می‌آید و فریاد می‌کشد «اینه خروش آریایی». این صحنه، بخش کوچکی از واقعیت آنچه در ۱۹و۱۸ دی‌ماه در ایران گذشت‌ انشان می‌دهد. حلقه‌هایی که به اسم اعتراض با سلاح‌های سرد و گرم به خیابان آمدند. برایشان، ماشین‌های مردم و اموال عمومی حکم هیزی می‌داشت که با آن در خیابان آتش به راه بیندازند. پیش از شروع فراخوان‌ها، صفحات مجازی آشوب‌طلبان هم با تقلید از همان فرمول ۱۴۰۱، از آموزش ساخت کرکتل مولوتوف و نارنجک دستی شروع کردند تا ترغیب برای کشته گرفتن از هر طرف و اینکه هرچه برایتان اتفاق افتاد، به بیمارستان‌ها مراجعه نکنید. مجموع این برخوردها –که گاهی صاحب پروژه‌ها آن را لو دادند- آرایشی شفاف‌تر از پروژه ساخته شده علیه خیابان‌های ایران ارانه می‌کند. هدف تلفات گرفتن و بالا رفتن آمار کشته‌شدگان بود تا به سقف خواسته موساد یعنی ۸۰۰هزار کشته برسند و به‌زعم خودشان، زمینه را برای اقدام نظامی فراهم کنند. اما وقتی موفق نمی‌شوند، نهایتاً نام جوانان و مردم عادی که به دست همین حلقه‌های تروریستی آشوب جانشان را از دست دادند، به اسم کشته‌شدگان حکومت منتشر کردند و برای تحریک احساسات و فریب مردم در رسانه‌های ضدایرانی‌شان بازتاب دادند تا اینبار پروژه را به این شکل علیه ایران ادامه دهند. این شعبده پهلوی‌هاست که وقتی پای تحریک مردم وسط می‌آید، می‌گویند این «جنگ» است و معترضین «مسلح» هستند و به سمت مأموران شلیک می‌کنند؛ اما وقتی آمار کشته‌ها منتشر می‌شود، می‌گویند همه چیز تقصیر جمهوری اسلامی است.

این جنگ است و جنگ هم هزینه دارد

یک هفته پیش از شروع آشوب‌سازی و به خیابان آمدن حلقه‌های آشوب، حساب کاربری موساد در پیامی در شبکه ایکس کشتن ۸۰۰ هزار نفر را بهایی راهبی از آنچه استبداد می‌خواند معرفی کرد. پیامی که نشان می‌داد پای پروژه طراحی شده‌ای برای ناآرام کردن خیابان‌های ایران در میان است، این بار هدف کشتن مردم عادی است. دو هفته بعد از فراخوان و وقوع صحنه‌های تلخ در خیابان‌های ایران، تامیر موراگ، خبرنگار شبکه ۱۴ اسرائیل در پیامی در ایکس نوشت: «ما امشب گزارش دادیم که بازیگران خارجی، معترضان ایرانی را با سلاح گرم، مسلح می‌کنند و همین امر دلیل کشته شدن صدها نفر از پرسنل امنیتی ایران است. همه آزادند که حدس بزنند چه کسی پشت این ماجراست». شواهد نشان می‌داد که پای یک طراحی بزرگ آشوب از جانب اسرائیل برای کشتار مردم ایران در میان بود تا در ادامه پروژه و محکوم کردن حکمرانی، ترامپ، پروژه را ادامه دهد.

مشابه این اظهارات، در لغزش‌های کلامی مزدورهای پهلویچی هم قابل مشاهده بود. وقتی خبرنگار شبکه سی‌بی‌اس از ربع پهلوی می‌پرسد که فرستادن شهروندان ایران به پای مرگ، اقدامی مسئولانه است، پاسخش این است که «این جنگ است و جنگ هم تلفات دارد.» محسن بنایی، چهره نزدیک به پهلوی، اصل حرف ربع پهلوی را صریح‌تر می‌گوید: «این جنگ است و ما یک میلیون کشته می‌خواهیم.»

در کلان پروژه، هدف‌گذاری روی کشتن‌تار مردم ایران به هر قیمت و به هر طریقی تعیین شده است، نکته‌ای که هم موساد به آن اعتراف می‌کند و هم مزدوران پهلوی صراحتاً آن را بیان می‌کنند.

مزدوران پهلوی – موساد مشغول کارند

برای گرفتن تلفات، مزدوران در سطوح مختلف وارد می‌شوند تا آموزش ساخت سلاح‌های گرم و سرد گرفته تا تحریک مردم از جانب صفحات شناخته شده برای کشتن مردم. بخشی از این ماموریت از جانب چهره‌های سلبریتی که علی‌رغم ژست وطن‌پرستی‌شان، ضدایرانی‌ترین رفتارها علیه مردم ایران را انجام دادند، اجرا می‌شود. در ادامه به برخی از مزدوران موساد، پهلوی که عنصری فعال در این آشوب بودند، اشاره شده است.

رحم نکند

«دست خالی نرید تو خیابون، رحم نکنید.»، «مأمور دستتون افتاد بهش رحم نکنید.» اکانت ایکس اشکان خطیبی از جمله حساب‌های کاربری بود که صراحتاً تلاشش را بر تحریک جوانان و آشوب‌گران، مستقیماً برای دست‌زدن به خشونت متمرکز کرده بود. خطیبی، یکی دوروز بعد از آنکه تروریست‌ها در خیابان‌های ایران با طرح‌ریزی پروژه صهیونی خسارات گسترده به جان و مال مردم زدند، در پیامی در ایکس نوشت: «دیشب در تهران از میان مردم هم به سوی نیروهای سروکوب، تیراندازی شده». خطیبی اگرچه دقایقی بعد پیامش را پاک کرد؛ اما او فعالیتش را برای تحقق چنین هدفی انجام داد و فقط با یک توییت، خبر از موفقیت‌آمیز بودن عملیات داد و این یک لغزش کلامی نبود.

خشونت طرح‌ریزی شده از جانب شبه‌بازیگرساکن فرانسه

محمد صادقی، بازیگر که در حال حاضر از فرانسه برای مردم نسخه مبارزه می‌پیچد هم در آغاز فراخوان‌های ساخته شده، از تروریست‌ها خواسته بود تا آمار شرکت‌های زیر ساخت اینترنت و مخابرات و حتی خانه کارمندان را پیدا کنند تا «در زمان مناسب و شلوغی خیابان» به سراغشان بروند. او هم پروژه را با اعمال خشونت برنامه‌ریزی شده پیش برد، برای کشته و تلفات

ترامپ تبعات دقیق شیطنت در غرب آسیا را می‌داند

نفت بی‌نفت

بزرگ‌ترین خطای محاسباتی، قائل شدن تفکیک میان این دو است. آنچه در صحنه سیاسی به‌عنوان تفاوت‌های دیدگاه میان کاخ سفید و کابینه رژیم صهیونیستی نمایش داده می‌شود، صرفاً یک تقسیم‌کار هوشمندانه برای مدیریت افکار عمومی و پیشبرد اهداف مشترک است. رژیم صهیونیستی در واقع اصلی‌ترین پایگاه غرب در منطقه است. اسرائیل ایالت ۵ام آمریکااست و هرگونه تعریفی این دو را از یکدیگر تفکیک‌کند، دچار برداشت «رمانتیک» و به‌دور از واقعیت‌های سیاسی شده است. در اتاق فکرهای مشترک واشنگتن و تل‌آویو، راهبرد «فشار حداکثری» ایران به گونه‌ای طراحی شده که آمریکا با ابزارهای مالی، تحریمی و فشارهای دیپلماتیک مسیر را هموار کند و اسرائیل با عملیات‌های نظامی و تروریستی، هزینه‌های میدانی را افزایش دهد. این‌س هماهنگی در دوران‌های مختلف، از جمله دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه، همواره پابرجاست و صرفاً در تاکتیک‌ها تغییراتی رخ می‌دهد. آمریکا از تهدیدات نظامی اسرائیل به‌عنوان یک «اهرم بده‌بستان» در میز مذاکره استفاده می‌کند تا از ایران باج‌خواهی‌کند، درحالی‌که در پشت‌صحنه تمامی حمایت‌های لجستیکی و اطلاعاتی لازم را برای ضربه‌زدن به ایران فراهم می‌آورد.



اتاق عملیات مشترک و بازوی نفوذ

یکی از ابعاد کلیدی این همکاری، در حوزه اطلاعاتی و عملیات ویژه نهفته است. درحالی‌که ایالات متحده در لایه‌های عمیق داخلی ایران با محدودیت‌های دسترسی مواجه است، رژیم صهیونیستی از طریق شبکه‌های جاسوسی خود از جمله «موساد» وظیفه پر کردن این خلأ را بر عهده دارد. موساد به‌عنوان بازوی اجرایی آمریکا در داخل خاک کشورها عمل می‌کند و روی پروژه‌هایی نظیر ترور دانشمندان، خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای و حتی تلاش برای ایجاد گسست‌های اجتماعی و سیاسی حساب باز کرده است. آن‌ها در محاسبات خود روی یک ایده متمرکز شده‌اند: «رژیم چنچ از درون». اسرائیل و آمریکا به دنبال آند که با استفاده از مزدوران نفوذی، ضرباتی را وارد کنند که منجر به بی‌ثباتی داخلی شود. در جریان اغتشاشات اخیر که ابتدا به‌صورت مسالمت‌آمیز و از

گرفتن از هر سمتی که مقدور است. حمید فرخ‌نژاد، احسان کر می و علی کریمی آشوبگر سابقه‌دار اتفاقات ۱۴۰۱ هم بسا همین فرمان برای تحریک و نسا‌آرام کردن خیابان تلاش می‌کردند. فارغ از آنکه این چهره‌ها از لندن و فرانسه و نیویورک برای به خیابان آمدن مردم نسخه می‌پیچیدند، رفتارشان از یک الگوی ثابت پیروی می‌کند؛ به خیابان کشتاندن مردم و پیام به حلقه‌های آشوب برای درگیر شدن و خسارت زدن به جان و مال مردم. هزینه مالی‌اش را هم موساد برای آشوبگران در نظر گرفته بود؛ ۸۰۰ میلیون به ازای کشتن هر نفر. اکانت‌های متعدد و جعلی و تازه ساخته شده در جریان این آشوب هم همین خط را دنبال می‌کردند و از آشوب‌گران می‌خواستند که دست پر و مسلح وارد خیابان شوند.

ماکشتیم ولی تقصیر جمهوری اسلامی است

طبیعتاً بسا مجموعه این تلاش‌ها برای ورود جریان اعتراض به آشوب و دیگری داخلی، کشته شدن مردم و حتی نیروهای انتظامی برای آنان خبری خوشحال‌کننده است یا حداقل انتظار می‌رود بعد از محقق شدن اهداف عملیات، سکوت را ترجیح دهند. اما فاز بعدی پروژه این است که با وقاحت تمام و با کتمان کردن شواهد موجود که دست داشتن موساد و حلقه‌های

عوارض اتوبان هوایی اسرائیل را عمده حساب کنید

فراستر از اهداف نظامی‌اما «جریان نفت در خلیج فارس» و «امنیت انرژی جهانی» به‌عنوان برگ‌های برنده ایران روی تابلوی اهداف ایران قرار دارند. هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، باافاصله ثبات بازار انرژی را به چالش خواهد کشید. اگر امنیت ملی ایران به خطر بیفتد، دلیلی برای تضمین امنیت جریان انرژی کشورهایی که خاک خود را در اختیار متجاوز قرار داده‌اند یا از تجاوز حمایت کرده‌اند، وجود نخواهد داشت.

پاشنهٔ آشیل انرژی رژیم

در صورت حمله آمریکا به ایران علاوه بر منافع مستقیم ایالات متحده، اهدافی در رژیم صهیونیستی وجود دارد که در وضعیتی به‌شدت آسیب‌پذیر قرار دارد. برخلاف ایران که کشوری پهناور با تأسیسات پراکنده و چندلایه است، اسرائیل یک جغرافیای کوچک با تأسیساتی بسیار متمرکز و انگشت‌شمار دارد. امنیت انرژی این رژیم به‌سه ستون اصلی وابسته است که انهدام هر یک از آن‌ها، کل ساختار اقتصادی و اجتماعی آن را فلج خواهد کرد. نخست، حوزه گاز طبیعی است. بیش از ۷۰ درصد برق رژیم صهیونیستی و ۴۲ درصد از کل سبد انرژی آن به تولید گاز از تنها سه میدان اصلی «لویوتان»، «تامار» و «کاریش» وابسته است. این میدان‌ها نه‌تنها نیاز داخلی را تأمین می‌کنند، بلکه ابزار دیپلماسی رژیم برای وابسته‌کردن کشورهایی چون مصر و اردن نیز هستند. انهدام سکوهای تولیدی در این سه نقطه، به معنای خاموشی مطلق در سرزمین‌های اشغالی و توقف فعالیت‌تمامی

قطعات یک پازل

محمداقرب قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز ۲۱ دی‌ماه با اتکا به بیانیه شورای عالی دفاع درباره «مشروع بودن حق دفاع از خود» خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داد که در چهارچوب دفاع مشروع «خود را محدود به واکنش پس از اقدام نمی‌دانیم» قالیباف تأکید کرد که در صورت حمله نظامی ایالات متحده، هم «سرزمین اشغالی» و هم «مراکز نظامی و کشتیرانی آمریکا» هدف مشروع ما خواهد بود. جی‌دی ونس، معاون ترامپ هم درباره تشدید حضور نیروهای آمریکایی در منطقه گفت: «ما فقط می‌خواهیم مطمئن شویم که گزینه‌های لازم را در اختیار داریم.» او به «نیروهای زیاد آمریکا در منطقه» و «افرادی» اشاره کرد که «ممکن است در معرض خطر قرار بگیرند.»

صنایع سنگین و حیاتی است. پیام عملیات‌های موشکی اخیر ایران که در آن آتش‌سوزی‌هایی در نزدیکی سکوهای گازی مشاهده شد، یک هشدار صریح بود مبنی بر اینکه این تأسیسات در تیررس دقیق هستند. دوم، بخش فرآورده‌های نفتی و پالایشگاهی است. حمل‌ونقل اسرائیل که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در این رژیم است، صددرصد به فرآورده‌های نفتی تولیدی در دو پالایشگاه «حیفا» و «اشدود» وابسته است. درصورتی‌که این دو مرکز از مدار خارج شوند، سیستم لجستیک نظامی و غیرنظامی این رژیم به طور کامل متوقف خواهد شد. همچنین واردات نفت خام این رژیم که ۶۰ درصد آن از طریق کشورهای مسلمان نظیر آذربایجان و قزاقستان تأمین می‌شود، تنها از طریق سه پایانه «اشکولن»، «حیفا» و «ایلات» صورت می‌گیرد. با بسته‌شدن این گلوگاه‌های دریایی، هیچ مسیر جایگزینی برای تأمین سوخت موردنیاز ارتش و شهروندان صهیونیست باقی نخواهد ماند.

نتانیاهاو نیزس پس از جنگ دوازده‌روزه در دیدار با هیئت آمریکایی گفته بود «یک هفته می‌گویند اسرائیل دولت آمریکا را کنترل می‌کند و هفته بعد می‌گویند دولت آمریکا، اسرائیل را کنترل می‌کند، هر دو ادعا مزخرف است. ما رابطه‌ای شریکانه و هم‌پیمانه نداریم، نه اینکه یکی به دیگری دستور دهد.»

براین اساس هرگونه تلاش برای تفکیک میان کشتگری ایالات متحده و رژیم صهیونیستی افتادن در دام توهم و ساده‌انگاری است. ناظران به‌وضوح می‌گویند که اسرائیل و آمریکا در حقیقت دو قطعه از یک پازلی‌اند که در مواجهه با ایران، هم‌راستا و مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. اگرچه ممکن است در ظاهر و در سطح رسانه‌ها، تفاوت‌ها و اختلاف‌نظراتی دیده شود، اما در سطح کلان و در اتاق‌های فکر مشترک، ائتلاف آمریکایی صهیونی یک هدف واحد را دنبال می‌کنند.